جمعیت ناشنوایان کشور حدود یک میلیون نفر برآورد می‌شود

رئیس هیات‌مدیره و مدیرعامل انجمن ناشنوایان ایران از مشکلات ناشنوایان می‌گویند

این مشکل شنیدنی است

لیلا شوقی

جامعه

شش ماه اول امسال، جامعه ناشنوایان با پستی و بلندی‌های زیادی روبه‌رو بودند. جامعه ناشنوایان پویش‌های اعتراضی زیادی درباره مشکلاتشان برگزار کردند. اینها اما دلیلی نمی‌شود که مشکلات جامعه ناشنوایان تمام شود. مشکلاتی که هر سال، تکرار شده و بعد از مدتی فراموش می‌شود تا تب دیگری راه بیفتد. مشکلاتی مانند نبود شغل، به رسمیت نشناختن زبان اشاره، نبود زیرنویس و بسیاری دیگر از مشکلات که درددل همه ناشنوایان است. به خاطر همه این مشکلات، انزوا و دوری از جامعه در عصر ارتباطات زندگی‌شان شده است. حامد عابدین‌زاده، رئیس هیات‌مدیره انجمن ناشنوایان ایران و اکرم سلیمی، مدیرعامل و مترجم این انجمن، به‌عنوان نمایندگان جامعه ناشنوایان از مشکلات جامعه حدود یك میلیون نفری‌شان می‌گویند. انجمنی که ۴۷ سال پیش ثمین باغچه‌بان برای راه‌اندازی مکانی که ناشنوایان در آن احساس راحتی داشته باشند، احداث و به ثبت رساند.

زبان اشاره با زبان فارسی متفاوت است و همین ترجمه زبان اشاره به زبان فارسی را متفاوت می‌کند، اما این‌طور که به نظر می‌آید، در ترجمه زبان اشاره به زبان فارسی دو دستگی وجود دارد. چرا این طور است؟

عابدین‌زاده: این موضوع برمی‌گردد به این که زبان اشاره در قانون به رسمیت شناخته نشده و هیچ حمایتی از زبان اشاره نمی‌شود. آموزش و پرورش ملزم نیست در برنامه‌هایش از زبان اشاره استفاده کند و آموزش زبان اشاره، سلیقه‌ای انجام می‌شود. در آموزش به بچه‌ها قاعده‌ای وجود ندارد.

سلیمی: یك سری افراد شنوا برای افراد ناشنوا تصمیم می‌گیرند و چون صرفا کارشناس یا معلم ناشنوایان هستند، حق تصمیم‌گیری را برای خود می‌دانند، بدون این که از خود جامعه ناشنوان بپرسند و از آنها مشاوره بگیرند که نیازشان چیست؟ این که الفبای ناشنوایان چیست؟ واقعیت این است که دو دستگی در جامعه ناشنوایان وجود دارد. به عنوان مثال در الفبای اشاره، در الفبای دستی باغچه‌بان، ما حرف «ف» و «گ» را به شکلی اجرا می‌کنیم و در شهرهای آذربایجان یك معلم، به شکل دیگری این حرف را اجرا و آموزش می‌دهد. امروز همه ناشنوایان ترك زبان حرف «ف» و «گ» را شکل دیگری اشاره می‌کنند. این اتفاق سلیقه‌ای است. اگر دستورالعمل خاصی برای زبان اشاره تعریف شده باشد، هر کسی و در هر مکانی، نمی‌تواند این اتفاق را رقم بزند. اگر نظارت داشته باشیم، این اتفاقات نمی‌افتد. ما کتاب‌هایی داریم که برای ۲۰ سال پیش است و از همان زمان تا به حال، به روزرسانی یا بازبینی نشده است. باید توجه داشت هر زبانی تاریخچه خودش را دارد و شکل زبان شاید اهمیت داشته باشد، اما در بسیاری از موارد این تاریخچه است که روی زبان تاثیرگذار است.

چند سالی می‌شود که طرح به رسمیت شناختن زبان اشاره به مجلس ارائه شده است، سرنوشت این طرح چه شد؟

عابدین‌زاده: هفت سال پیش، نماینده تدوین و بازنویسی قانون حمایت از معلولان بودیم. در سال ۹۶ که این طرح تصویب شد، با توجه به نیازسنجی که در جامعه ناشنوایان و سازمان‌های مردم نهاد دیگر داشتیم، به این نتیجه رسیدیم که درخواستمان را تنها برای به رسمیت شناختن زبان اشاره محدود کنیم. جامعه نابینایان و معلولان جسمی، سهم استخدامی ۳ درصدی دارند، اما درخواست جامعه ناشنوایان نه استخدام شدن که تنها به رسمیت شناختن زبان اشاره است.

سلیمی: در قانونی که سال ۹۶ تصویب شد، درخواست ما دیده نشد. با وجود این که پویش‌ها راه انداختیم و همه ناشنوایان متفق‌القول گفتند ما مشکلات زیادی داریم، اما نیاز ما به رسمیت شناختن زبان اشاره است، این درخواست نادیده گرفته شد. در جامعه معلولان تبعیض بین نابینایان، معلولان جسمی - حرکتی و حتی ناشنوایان داریم. ناشنوایان، معلولانی هستند که معلولیتشان نمود عینی ندارد و چون از زبان اشاره استفاده می‌کنند، ترجمه زمانبر است و مسوولی که قرار است، حرف آنها را بشنود، برایش این معلولیت قابل تعریف نیست و حوصله شنیدن ندارد. نمی‌توان از ناشنوایی که در زمان به دنیا آمدن، هیچ چیزی را نمی‌شنود و هیچ ارتباطی هم نمی‌تواند برقرار کند، انتظار داشته باشیم که مانند شنواها فکر کند، مانند آنها برخورد کند و برداشت‌شان از همه چیز شبیه به آنها باشد. دنیای آنها را نمی‌توان درك کرد. فشاری که روی ناشنواهاست، چند برابر بیشتر از افراد نابینا و دیگر توان‌یاب‌هاست. آنها می‌توانند دردشان را بگویند و فریاد بزنند. افراد ناشنوا اما نمی‌توانند هیچ‌کدام از این کارها را انجام دهند. نمی‌توانند از مشکلاتشان بگویند. جامعه آنها جداست و در حاشیه هستند.

عابدین‌زاده: فناوری هم نتوانسته، آنها را از حاشیه بیرون بکشد. یك ناشنوا حداقل حقی که دارد، این است که با اورژانس تماس بگیرد. این حق اما از او گرفته شده است. یکی از درخواست‌هایی که از مجلس شورای اسلامی و بهزیستی هم داشتیم، طرح به رسمیت شناختن زبان اشاره به صورت یك فوریتی یا دو فوریتی بود تا این طرح هر طوری که شایسته است به مجلس برود و به تصویب برسد.

نرم‌افزارهای زیادی طراحی شده، اینها چه قدر به جامعه ناشنوایان کمك کرده است؟

عابدین‌زاده: اغلب کسانی که در این حوزه کار می‌کنند، شنوا هستند. ما درباره مشکلات ناشنوایان به آنها مشاوره داده‌ایم، اما درنهایت کاری را که خود دوست دارند، انجام می‌دهند. بهتر است برنامه‌نویسی که می‌خواهد در این حوزه کار کند، از موسسه‌هایی که در حوزه ناشنوایان کار می‌کنند، مشاوره بگیرند. برای طراحی این برنامه‌ها از سازمان و ارگان‌ها هم کمك مالی دریافت می‌شود اما درنهایت در زبان اشاره و فرهنگ ناشنوایان ضعیف هستند. بعد از صرف انرژی و پول به این نتیجه می‌رسیم که نرم‌افزارها برای جامعه ناشنوایان مناسب نیستند.

این روزها کلیپ‌های زیادی در فضای مجازی منتشر می‌شود که در آن به آموزش زبان اشاره می‌پردازند، عملکرد آنها را چه طور ارزیابی می‌کنید؟

سلیمی: از این نظر که جامعه شنوا و ناشنوا به هم نزدیك می‌شوند خوب است، اما اگر بخواهیم از دید تخصصی به این قضیه نگاه کنیم، موضوع متفاوت بوده و واقعاکاری انجام نشده است.

عابدین‌زاده: اگر زبان اشاره در قانون حمایت از معلولان دیده می‌شد، ما دیگر شاهد این قضایا نبودیم. در این کلیپ‌ها چنددستگی وجود دارد و هر کسی که گوشه‌ای از زبان اشاره را می‌داند، کلیپی هم می‌سازد بدون این که نگاه تخصصی به زبان اشاره داشته باشد. به نظر می‌آید از جامعه ناشنوایان سوءاستفاده می‌شود. ساخت این کلیپ‌ها رسمی نیست و اگر زیرنظر ارگان و موسسه‌ای این کار انجام می‌شد، همه چیز کارآمدتر و بهتر پیش می‌رفت. بهترین روش این است که همه چیز قانونمند شود، فعالیت‌ها از فیلتری عبور کند تا اهداف این کلیپ‌ها به سرانجام برسد. حقیقت این است که هر کسی می‌تواند زبان انگلیسی را بداند، ولی هر کسی نمی‌تواند مدرس خوبی باشد. درباره زبان اشاره اما این طور نیست و هر کسی که زبان اشاره را می‌داند، ادعای آموزش هم می‌کند.

متولی‌ای که متولی نیست

زندگی+

سازمان بهزیستی کشور، متولی امور معلولان است. پس بسیاری از مشکلات جامعه معلولان و به‌خصوص ناشنوایان را بهزیستی باید حل کند. اما سؤال اینجاست که چرا این مشکلات در این سازمان حل نمی‌شود؟

جواب سلیمی به این سؤال عجیب است. او در این باره می‌گوید: «موضوع این است که ما در سازمان بهزیستی حتی کارشناسی هم که آشنا به امور ناشنوایان باشد، نداریم.»

اتفاقا این انجمن هم کارشناسی را که بتواند با امور ناشنوایان در ارتباط باشد، معرفی کرده است، اما موضوع این است که کارشناسی که آنها معرفی می‌کنند، باید در دل این سازمان قرار بگیرد و کارمند آن سازمان باشد. همین شده که این انجمن و انجمن‌های دیگر به بهزیستی پیشنهاد داده‌اند تا کارشناس‌های آنها زیرنظر این انجمن‌ها دوره‌های آموزشی را بگذرانند تا بدانند چه طور با ناشنویان تعامل کنند.

او می‌گوید: «یك سال است که ما به آنها می‌گوییم کارشناسانی می‌خواهیم که بتوانند با ناشنوایان تعامل کنند؛ به آنها می‌گوییم که از کارشناسان‌تان بخواهید که با بچه‌های ناشنوا بدرفتاری نکنند.»

آنها طرح‌ها و پیشنهادهای زیادی دارند؛ ایده‌ها و طرح‌هایی که زندگی جامعه ناشنوایان را بهتر خواهد کرد. اینها همه در حالی است که به گفته مدیرعامل این انجمن، حمایتی از این طرح‌ها نمی‌شود.

مهم‌ترین درخواست آنها اما در قانون حمایت از حقوق معلولان خلاصه می‌شود: «تقاضا می‌کنیم درخواست ناشنوایان را به قانون حمایت از حقوق معلولان اضافه کنند و در قالب یك طرح دوفوریتی به مجلس ارائه شود. بهزیستی متولی است و ما هم می‌توانیم در کنارشان حمایت را انجام دهیم. این اتفاق‌ها اما نمی‌افتد.»

مشکلات فرهنگی مشکلات پزشکی

یکی از مشکلات ناشنوایان از نبود فرهنگ مواجهه با آنها نشأت می‌گیرد. به این شکل که توانایی ناشنوایان درنظر گرفته نمی‌شود و در بسیاری از مواقع، خانواده‌ها به فرد ناشنوا اجازه نمی‌دهند که زندگی کند و او را تحت کنترل خودشان نگه می‌دارند. در رسانه، توانایی‌های آنها دیده نمی‌شود. چون آنها نمی‌توانند بشنوند، از کلماتی استفاده می‌کنند که خوشایند و دلخوش ناشنوایان نیست.

افراد شنوا و ناشنوا فرقی با هم ندارند و با آموزش فاصله بین آنها قابل از بین رفتن است. یکی از مشکلات ناشنوایان این است که روی آنها نگاه پزشکی وجود دارد. تا زمانی که نگاه پزشکی و درمانی روی ناشنوایان باشد این مشکلات هم وجود دارد. همین که والدین به این فکر می‌کنند که کاشت حلزون را انجام بدهند تا همه چیز حل شود، اشتباه است. یك نکته مهم این است که چه با سمعك و چه با کاشت، فردی که ناشنواست، شنوا نمی‌شود. کاشت حلزون جدا از این که آسیب‌های خود را دارد، کارآیی‌اش هم مانند سمعك است، هرچند که کمی پیشرفته‌تر است و برای افرادی به کار می‌رود که ناشنوای مطلق باشند.

یکی دیگر از مشکلات جامعه ناشنوایان این است که برخی خانواده‌ها با زبان اشاره با فرزندان ناشنوایشان صحبت نمی‌کنند. در حال حاضر آموزش و پرورش به این نکته رسیده که با زبان اشاره باید با ناشنوایان ارتباط بگیرد.

برخی خانواده‌ها بعد از کاشت حلزون ادعا می‌کنند کودکشان صوت دارد، حرف می‌زند و دیگر ناشنوا نیست. خانواده‌ها می‌گویند بچه را که صدا می‌کنم برمی‌گردد، اما دقت نمی‌کنند چه فشاری روی این بچه وجود دارد. تا زمانی که فشار به بچه‌ها وارد می‌شود، ناشنوا حتی اگر متوجه خیلی از صحبت‌ها نشود، سکوت می‌کند؛ چون فکر می‌کند اگر از ناتوانی‌اش بگوید، این ضعف اوست. بسیاری از والدین نمی‌دانند که چطور با کودکان ناشنوایشان ارتباط برقرار کنند. این که صرفا تنها صدایشان را بشنوند تا چه قدر می‌تواند مهم باشد؟

والدین فکر می‌کنند با فشار روی فرزند ناشنوا و اجبارش به حرف زدن، به او اعتماد به نفس می‌دهند. آنها اتفاقا عزت نفس را از بچه می‌گیرند. خود بچه می‌داند که مشکل دارد و نمی‌تواند صحبت کند. مشکل از زمانی شروع می‌شود که پزشك به والدین می‌گوید با کاشت حلزون مشکل ناشنوایی حل می‌شود. درصورتی که با این نسخه مشکلات دیگری به مشکلات ناشنوایان اضافه می‌شود.

حق با شماست

info@jamejamdaily.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲

#مطب-کارتخوان

ادیبیان از تهران:

با وجود پیگیری‌های فراوان مسؤولان راجع به نصب کارتخوان در مطب‌های پزشکی، ولی بسیاری از مطب‌ها فاقد کارتخوان هستند. چرا یك عده از قانون تخطی می‌کنند و قوه‌قضاییه پیگیری نمی‌کند؟

#شهریار-تخریب

بهارلو از شهریار:

تخریب باغ‌ها و درختان توسط سازندگان آپارتمان بدون نظارت شهرداری در شهریار رو به افزایش است و به نظر می‌رسد تا سال‌های دیگر خبری از باغ و درخت در این شهر نباشد.

#پیام‌رسان-داخلی

ریحانی از تهران:

دیگر هیچ حمایتی از پیام‌رسان‌های داخلی نمی‌شود و کم‌کم این پیام‌رسان‌ها درحال منزوی شدن و کوچك شدن هستند.

#پیش-فروش

ابراهیمی از تهران:

خودروسازان، خودروهای ثبت‌نام شده دو سال پیش را هنوز تحویل ندادند ولی همه‌روزه پیش‌فروش فوری می‌گذارند.

#چالوس-رستوران

هادی از تهران:

توقف خودروها در مجاور رستوران‌های بین راهی جاده چالوس باعث راه‌بندان و ترافیك در این جاده می‌شود. چرا مسؤولان راهنمایی و رانندگی به این موضوع رسیدگی نمی‌کنند؟

#قبض-برق

ناظم‌زاده از تهران:

وزیر نیرو در مصاحبه‌های گذشته خود اعلام کرده بود که بهای هیچ یك از قبوض انرژی افزایش پیدا نمی‌کند، ولی به صورت رسمی ۷ درصد بهای برق افزایش پیدا کرد.

جوابیه

در پی درج پیامی در ۲۲ مهر ۱۳۹۸ با عنوان «رمپ- منطقه ۵» سرپرست روابط عمومی سازمان بازرسی شهرداری تهران با ارسال نمابری اعلام کرد: بر اساس اعلام مدیر ارشد شهرداری منطقه ۵ ایجاد رمپ در خیابان مذکور برای کاهش بار ترافیکی ورودی به پمپ گاز و با هماهنگی پلیس راهور انجام شده و بر اساس نظریه کارشناسی حجم تردد عابران از این پیاده‌رو نزدیك به صفر بوده است. با این حال مجددا از سوی سامانه با شهروند محترم تماس حاصل شده تا در صورت تمایل، هماهنگی لازم برای بازدید میدانی به همراه مدیران منطقه از محل صورت پذیرد.